

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مېباد بدین بوم وېر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهم از آن به که کشور به دشمن دهم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

استاد محمد نسیم "اسیر"

24 اکتوبر 2012

سپاس از مبارکبادِ عزیزان

امروز 23 اکتوبر، دوستان مشفق و مهربان، از سر صبح، با تلفونها و ایمیلها مرا به یاد روز و روزگاری انداخته و سالروز تولدم را که با گذشت برق آسای روز، ماه و سال، شمار حقیقی آن از پیش خودم گم شده است، مبارکباد گفتند. با اظهار سپاس و شکران بی پایان از همه عزیزان، اینک قطعه شعری را که درین مورد وصف الحال خود سروده ام و چند بار انتشار هم یافته است، بقسم تحفه ناچیز بدوستان تقدیم میکنم:

بسترِ پیری

بگرفته گریبان مرا افسر پیری	افکنده به سرپنجه زورآور پیری
از موی سپیدی زده تاجی بسر من	نامیده مرا پادشه کشور پیری
آرامش من، راحت من برده به تاراج	فوج غم افتادگی و لشکر پیری
دارد اثر تلخ به کامم شکر و شیر	پستان به لبم داده مگر مادر پیری
بر مهر درخشان نتوان دیده گشودن	تا جلوه گر بخت شده اختر پیری
در میکده ام ره ندهد رند خرابات	با قامت خم گشته و لرزان سر پیری
ضعف تنم از پای فکنده ست و ز حسرت	لب میگزم از قند لب دختر پیری
ای عمر ز کف رفته چه انداخته ای باز	چون مژگن سپندم، به دل اخگر پیری
ای درد عجب با منت آهنگ مصافست	در بستر بیماری و در سنگر پیری
آن شاهد گلچهره دگر رام نگرده	تادیده مرا همسفر و همسر پیری

هر لحظه به گوشم رسد از قافله عمر این نغمه دلگیر ز رامشگر پیری
از شست گذشتیم و شکستیم و خمیدیم ای وای ز افسانه و افسونگر پیری
آزرده دل از ریشه دست و سر و پائیم ای خاک سیه باد شود بر سر پیری
درمانده «اسیر» تو ز پرواز عجب نیست
ره یافته بر بال و پرش، شهپر پیری

(م. نسیم «اسیر» - بُن، المان، مارچ 1994 م)